

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۸/۰۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۲/۰۱

مجید شریف خدایی^۱، فردوس آفاگل زاده^۲، منا شکری^۳

زبان جنسیتی و نقش آن در خلق کنش و شخصیت در درام‌های رادیویی

چکیده

در نمایش رادیویی عناصر صوتی و زبان جایگاه با اهمیتی دارد. چنانچه ظاهراً آنچه برای شنونده، بازنمایی از «جنسیت» دارد، تنها صدای بازیگر است. این ظرفیت سبب می‌شود حتی بازیگر بتواند، با تغییر صدا، به جای شخصیت‌های مخالف با جنس خود بازی کند. اما با این حال در شناخت «جنسیت» تنها همه‌چیز به صدای بازیگر محدود نمی‌شود. کلام و احساس بازیگر هم می‌تواند جلوه‌ای از «جنسیت» او باشد. «زبان جنسیتی»، زبان زنان و مردان یک جامعه، تحت تأثیر فرهنگ و هنجارهای آن است. در این پژوهش تلاش شده تا بعد از بیان ویژگی‌های «زبان جنسیتی»، ابعاد استفاده از آن در درام‌های رادیویی بررسی شود تا تأثیر این زبان در خلق «کنش» و «شخصیت‌پردازی» یک اثر دراماتیک مشخص شود. با توجه به مبانی نظری تحقیق (الگوی جنسیت) و بعد از تحلیل محتوای کیفی ده نمایش پخش شده از شبکه رادیویی جوان در دهه هشتاد، مشخص شد که استفاده از «زبان جنسیتی» به خلق «شخصیت» می‌انجامد. زبان جنسیتی دو نیروی برابر و متضاد کلامی خلق می‌کند که باعث پرورش شخصیت‌ها و بروز کنش در آن‌ها می‌شود.

کلیدواژه: زبان جنسیتی، نمایش رادیویی، شخصیت، کنش.

^۱ عضو هیئت علمی دانشکده تولید، دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران.

E-mail: majidsharifkhodaei@gmail.com

^۲ استاد دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

E-mail: aghagolz@modares.ac.ir

^۳ فارغ التحصیل کارشناسی ارشد رشته نویسندگی رادیو، دانشگاه صداوسیما، تهران، ایران.

E-mail: mona.shokri.p@gmail.com

مقدمه

«زبان جنسیتی»^۱ مفهوم شناخته شده و با اهمیت در مطالعات زبان‌شناسی است. تاکنون پژوهش‌های بسیاری در مورد آن توسط زبان‌شناسان صورت پذیرفته و از رهیافت آن نظریات مختلفی درباره رفتار کلامی زنان و مردان هر جامعه‌ای بیان شده است. در دنیای امروز ما مکرراً شاهد استفاده از زبان جنسیتی در میان اقشار مختلف جامعه هستیم؛ همان‌طور که خود ما نیز در کلاممان از زبان جنسیتی استفاده می‌کنیم. در واقع این مهم چنان در رفتار کلامی ما ریشه دوانده که عدم استفاده از آن موجب جلب توجه و یا بعضاً ناهنجاری می‌شود.

«جنسیت»^۲ متفاوت با «جنس»^۳ است. در واقع «جنسیت» مشمول رفتارها، نقش‌ها، کنش‌ها و اندیشه‌های اجتماعی است که فرهنگ حاکم در هر جامعه، به عهده دو جنس زن و مرد می‌گذارد» (نرسیانیان، ۱۳۹۳، ۱۰). در نتیجه مقصود از «زبان جنسیتی» زبانی است که با توجه به فرهنگ هر جامعه‌ای بین زنان و مردان آن جامعه رایج است که باعث ایجاد تنوع استفاده در زمینه‌های مختلف معنایی و واژگانی می‌شود. رادیو رسانه‌ای شنیداری‌ست که زبان در آن اهمیت ویژه‌ای دارد. وسیله اصلی ارتباط در یک نمایش رادیویی زبان و کلام است. «لازم است درام‌نویس به این عنصر که واسطه ارتباط او با مخاطب است مسلط باشد، چرا که زبان درام و دیالوگ وسیله اساسی بیان نمایشنامه‌نویس است. اگر درام‌نویس به قواعد، اصول و عناصر وسیله ارتباطی خود آشنا نباشد، در ارائه مفهوم به موفقیتی نخواهد رسید» (قادری، ۱۳۸۸، ۲۰۹). در نمایش رادیویی ظاهراً آنچه برای شنونده بازنمایی از «جنسیت» دارد، تنها صدای بازیگر است. این ظرفیت سبب می‌شود حتی بازیگر بتواند با تغییر صدا به جای شخصیت‌های مخالف با جنس خود بازی کند. اما با این حال در شناخت «جنسیت» تنها همه چیز به صدای بازیگر محدود نمی‌شود. کلام و احساس بازیگر هم می‌تواند جلوه‌ای از «جنسیت» او باشد. پس با این ملاحظه، شناخت کلام متناسب با نوع جنسیت در یک اثر نمایشی برای رسیدن به شناخت در «کنش‌ها» و اندیشه‌های کاراکتر اهمیت می‌یابد. آنچه که از این پژوهش حاصل خواهد شد، منجر به شناخت بیشتر در امر «دیالوگ‌نویسی» متناسب با «جنسیت کاراکترها» و رسیدن به یک «شخصیت‌پردازی دراماتیک» خواهد شد.

آنچه در هر رسانه‌ای، همچنین رادیو، به‌عنوان رکن اساسی مطرح است، مسئله ارتباط با مخاطب و ایجاد پیوند قوی میان رسانه و مخاطب است. در نمایش رادیویی کلام عنصری پایه است لذا آنچه باعث ایجاد ارتباط میان مخاطب و رسانه در این قالب برنامه‌سازی می‌شود، به میزان پذیرش کلام شخصیت‌ها از سوی مخاطب بستگی دارد. به همین واسطه شناخت «زبان جنسیتی» در یکی از مهم‌ترین نقاطی که می‌تواند تأثیرگذاری خود را نشان دهد، شخصیت‌پردازی در نمایش‌های رادیویی است. چرا که جدا از طبقه اجتماعی و فرهنگی، «جنسیت» در نوع به‌کارگیری کلمات تأثیرگذار است. انجام این تحقیق باعث می‌شود که نمایشنامه‌نویسان رادیویی، نمایشنامه‌هایی خلق کنند که دارای ساخت‌های کلامی متناسب با «جنسیت» شخصیت‌ها باشد.

این پژوهش به دنبال دستیابی به این هدف است که ظرفیت‌های زبان جنسیتی در بروز کنش شخصیت درام رادیویی را نشان دهد تا پاسخ این سؤال را که زبان جنسیتی چگونه موجب بروز کنش شخصیت در یک اثر نمایشی می‌شود به دست آورد.

روش تحقیق

در این پژوهش با توجه به سؤالات و هدف تحقیق، روش تحلیل محتوا روشی مناسب به نظر می‌رسید که می‌تواند پاسخی جامع برای کار داشته باشد تا با مطالعه در داده‌ها بتوان به تأثیرات «زبان جنسیتی» در یک

«درام رادیویی» پرداخت. از آنجایی که تحلیل محتوای کیفی، تمرکز بر مشخصات زبان به منزله وسیله ارتباطی برای به دست آوردن معنا و محتوای متن دارد، در این پژوهش نیز رویکرد محقق کیفی بوده و مقولات از پیش تعیین نشده‌اند و با مطالعه مکرر نمایشنامه‌ها و استخراج از آن‌ها به دست آمده است. به صورت کلی پنج مقوله (زمان‌بندی گفتار، شکل گفتار، نوع گفتار، موضع گفتار و شیوه گفتار) استخراج شد و برای هر مقوله دو تا سه زیرمقوله در نظر گرفته شد.

روش نمونه‌گیری هدفمند و غیر تصادفی بوده و بر اساس آن تعداد ده نمایش از شبکه رادیویی جوان در طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰ انتخاب شده‌اند. نمایش‌ها که از رادیو جوان ضبط شده‌اند، بازشنوایی و پیاده‌سازی شده و سپس مورد بررسی دقیق قرار گرفته‌اند؛ پس از تعیین واحد تحلیل، که در اینجا دیالوگ است، مضامین و واحدهای تحقیق و مقوله‌ها مشخص و کدگذاری شده‌اند؛ و در نهایت بر اساس کدگذاری انجام‌شده در برگه‌های کدگذاری، اطلاعات مورد نیاز از هر صحنه نمایشنامه جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و به تحلیل و آنالیز متن و کنش شخصیت رسیده است.

پیشینه و مبانی نظری تحقیق زبان و جنسیت

در تعریفی کلی، زبان‌شناسان معتقدند که زبان سیستمی ارتباطی و شناختی است. همان‌طور که هایدگر^۴ معتقد است زبان، جهان انسان را تشکیل می‌دهد. «زبان به معنای انسانی آن یعنی دستگاه نظام‌یافته از علائم قراردادی. اگر ما زبان نمی‌آموختیم از فعالیت‌های عالی ذهن بی‌بهره بودیم. در نتیجه زبان است که نظام اجتماعی را شکل می‌دهد و تاریخ تنها در زبان و جامعه ممکن می‌گردد. جامعه‌ای که اعضای آن به زبان مسلط نباشند در ارائه مفهوم به موفقیت نخواهند رسید» (صاحبی، ۱۳۹۱، ۴). «خصیلت اجتماعی زبان آن را با بسیاری از پدیده‌ها، روندها و عوامل اجتماعی پیوند می‌دهد و این همبستگی و پیوستگی به حدی است که برخی زبان را آئینه‌ای دانسته‌اند که پدیده‌ها و دگرگونی‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی جامعه را به نوعی در خود منعکس می‌سازد. به طور کلی می‌توان میان زبان و جامعه رابطه‌ای دو جانبه قائل شد» (مدرسی، ۱۳۹۳، ۱۹).

«جنسیت» اگرچه یک ساخت اجتماعی است و از این‌رو دارای معانی بسیاری در علم جامعه‌شناسی یا زبان‌شناسی است اما در این تحقیق تنها آن بخش از «جنسیت» که سبب بروز تفاوت کلامی میان دو جنس زن و مرد می‌شود و به طبع آن، تأثیراتی که همین تفاوت ایجاد می‌کند، اهمیت دارد. به اعتقاد نرسیسانس «جنسیت» یک ساخت فرهنگی است و در ارتباط با نقش‌های جنسیتی افکار قالبی در مورد هر دو جنس در جامعه مشاهده می‌شود که دامنه انتظارات را از هر دو جنس طرح ریخته و تعیین می‌کند» (نرسیسانس، ۱۳۹۳، ۱۰).

در مورد علت اصلی تفاوت‌های رفتار زبان مردان و زنان، نظریات مختلفی ابراز شده است. بعضی از زبان‌شناسان معتقدند دلیل اصلی تفاوت‌های زبانی زنان و مردان موقعیت اجتماعی متفاوتی است که هر یک از دو گروه در جامعه دارند. «مفهوم "جنسیت" یک مفهوم ایستا نیست که در طول زمان و از جامعه‌ای به جامعه دیگر ثابت و یکسان باقی بماند. این مفهوم را باید در طیفی که یک سر آن جنسیت زیست‌شناختی و سر دیگر آن جنسیت فرهنگی است، مشاهده کرد. همچنین جنسیت یکی از مؤلفه‌های هویت‌های فردی و اجتماعی است. به همین دلیل، رابطه زبان و "جنسیت" زیرمجموعه‌ای از رابطه زبان و هویت است» (داوری اردکانی و عیار، ۱۳۸۷، ۱۷۵).

تفاوت‌ها

گفتار رایج میان زن و مرد در هر جامعه‌ای، به نسبت فرهنگ کلامی آن جامعه فرق می‌کند. تحقیقات نشان داده است نوع گفتار زنان و مردان در کشور ما نیز تا حدی متفاوت است. برای مثال برطبق یافته‌های زبان‌شناسان زنان در مکالماتشان از کلمات، آواها، تن صدا و سایر ویژگی‌هایی استفاده می‌کنند که مختص به جنس خودشان است. این ویژگی‌ها گاهی حتی با توجه به سن و موقعیت اجتماعی‌شان نیز متفاوت می‌شود. «از نظر گودارد و میان^۵ تفاوت‌های کلام زنان و مردان در جنبه‌های مختلفی چون کلاس اجتماعی، سن و سال، ایدئولوژی و کلیشه‌های حاکم بر جامعه بروز پیدا می‌کند» (Goddard & Mean, 2009, 180).

«مردان ترجیح می‌دهند اطلاعات بدهند (نشان‌دهنده صاحب اختیار بودن و در نتیجه داشتن مقام بالاتر است)، تا اینکه با طرفین گفت‌وگو مشورت کنند (نشان‌دهنده مقام پایین‌تر است). بنابراین طرف مرد در یک رابطه نزدیک ممکن است اطلاع‌رسانی به طرف خود را با بیان برنامه‌هایش پایان دهد، درحالی‌که طرف زن، انتظار دارد در مورد برنامه‌هایش با ایشان مشورت شود» (استنبرگ^۶، ۱۳۸۶، ۷۸۹).

«زنان معمولاً از ساختارهای کهنه‌تر، خالص‌تر و مؤدبانه‌تری از زبان را مورد استفاده قرار می‌دهند و در تلفظ کلمات زنان بیشتر از مردان از واج‌های معیار استفاده می‌کنند» (دهقانی‌زاده، ۱۳۸۸، ۵۱).

آقاگل‌زاده (۱۳۸۹) در مورد تفاوت‌های کلامی زنان و مردان در مقاله خود آرای اندیشمندان مختلف را مطرح کرده است. او بیان می‌کند که «پدیده قطع کلام مختص یک جنس خاص نیست بلکه در کلام هردو جنس دیده می‌شود اما مردها بیشتر کلام فرد مخاطب خود را قطع می‌کنند تا زن‌ها. در مقاله برنند^۷ (۱۹۷۴) آمده است که مردان به‌ندرت از بالاترین سطح نواخت و تن صدا در کلام خود استفاده می‌کنند. درحالی‌که این مورد در کلام زنان به‌وفور دیده می‌شود. بری تورن و نانسی هنلی^۸ (۱۹۸۰) بیان کرده‌اند که زنان آزادانه‌تر از مردان می‌توانند هر دو سبک کلامی را به کار برند. یعنی جامعه کمتر تحمل پذیرش مردانی را دارد که از ویژگی‌های کلام زنان سود می‌برند. همچنین در ادامه آقاگل‌زاده در تجزیه و تحلیل خود به این نتیجه می‌رسد که سکوت در کلام زنان بیشتر به کار می‌رود و اغلب نشانه اعلام نارضایتی از موضوع مطرح شده است. اما سکوت در کلام مردان نشانه رضایت تلقی می‌شود» (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۹، ۷۶ - ۸۲).

درام رادیویی

در این پژوهش، نمایش رادیویی بستری است تا در آن به بررسی ویژگی‌های زبان جنسیتی و تأثیرات آن پردازیم. در رادیو، درام یک ارتباط شنوایی را می‌سازد. «سرچشمه اصلی درام متأثر از زندگی واقعی انسان‌ها و معرف یک الگوی اجتماعی است» (آلام، ۱۳۸۴، ۷۴). از همین رو نمایش رادیویی، قالبی است که بیش از هر وسیله دیگر ارائه نمایش، مشارکت همه جانبه مخاطبان خود را می‌طلبد چراکه انعکاسی از زندگی حقیقی افراد در جامعه است.

«نمایش رادیویی نمایشی است که در آن واژه‌ها از سرعت بیشتری برخوردارند، چرا که به سرعت از آنچه که می‌شنویم، تصویری ساخته می‌شود. آنچه نمایش رادیویی را از انواع دیگر نمایش متمایز می‌سازد، سرعت واژه‌هاست» (سطوت، ۱۳۸۷، ۶۱).

شخصیت و کنش

حادثه و شخصیت، هر دو به نوبه خود دو رکن موقعیت هستند و موقعیت، زمینه بروز دیالوگ است و می‌توان گفت دیالوگ در موقعیت اتفاق می‌افتد. شریف‌خدایی می‌گوید: «شخصیت مدار درام است و اهمیت شخصیت در اندیشه شخصیت و توان انجام دیالوگ توسط شخصیت است» (لطفعلی‌خانی، ۱۳۹۴، ۱۱۲).

«هسته یک نمایشنامه عبارت است از کنش و شخصیت؛ کنشی که در زمان حال عرضه می‌شود. ارسطو با اشاره به عناصر تشکیل‌دهنده‌ی درام، اصل را بر کردار و عملی می‌گذارد که در نمایش اتفاق می‌افتد؛ اما خود اذعان می‌دارد که کردار یا اعمالی که در یک تراژدی (نمایش) واقع می‌شود، همان اعمال و رفتار اشخاص نمایش است که به دلایل مختلف از جمله اندیشه، خلق و خو و منش آن‌ها سر می‌زند» (زرین کوب، ۱۳۶۹، ۹۲).

«کنش را می‌توان اهداف، انگیزه‌ها و اعمالی دانست که کاراکتر در طی نمایشنامه برای رسیدن به نیاز و خواستی که دارد به آن‌ها دست می‌زند. با این تعریف کنش فقط شامل اعمال فیزیکی یا بیرونی و دیالوگ‌های کاراکترها نیست بلکه، انگیزه‌ها و اهدافی که کاراکتر دارد و جنبه عینی یا بیرونی ندارند را نیز شامل می‌شود» (معافی، ۱۳۹۱، ۷۶).

در یک نمایش رادیویی تنها قسمتی که کنش‌های کاراکترها از طریق آن معرفی می‌شوند، دیالوگ‌ها و گفتار در نمایشنامه است. پس برای بررسی شخصیت، انواع آن و ابعاد آن، باید به سراغ دیالوگ‌ها یعنی همان زبان نمایشنامه رفت.

الگوی جنسیت^۹

فاسولد^{۱۰} (۱۹۹۰) به گونه‌ی کاربردی خاص زنان که لکاف^{۱۱} (۱۹۷۵) پایه‌گذار آن بود اشاره می‌کند و می‌گوید:

«گفتار خاص زنان به آن دسته از جنبه‌های زبانی اطلاق می‌شود که زنان در واکنش به شخصیت غالب مردان به کار می‌برند. مطالعات مربوط به این زمینه نشان داده است مردان از ابزاری تأثیرگذار در گفت‌وگوی خود با جنس مخالف استفاده می‌کنند تا بتوانند همواره در این نوع گفت‌وگوها غالب باشند. اما زنان ترجیح می‌دهند از دو راهکار دیگر در تأثیر متقابل استفاده کنند. آن‌ها تدابیری به کار می‌برند تا حمایت فرد مخاطب را از مشارکتشان در گفت‌وگو با جنس مخالف افزایش دهد و نیز خود آن‌ها به طور همزمان به تأیید منظور اصلی فرد مخاطب بپردازند» (هدایت، ۱۳۸۴، ۲۲ به نقل از Fasold, 1990, 16).

فاسولد با توجه به نتایج به دست آمده از تحقیقات جامعه‌شناسی زبان، پدیده‌ی الگوی جنسیت را مطرح نموده است:

«الگوی جنسیت؛ یعنی کاربرد متفاوت قالب‌های زبانی بر اساس پایگاه اجتماعی توسط زن یا مرد. طبق این الگو، قالب‌های زبانی بر اساس طبقات اجتماعی و شیوه‌ی کاربرد آن‌ها تقسیم‌بندی میشوند. مردان بیشتر الگوهای را به کار می‌برند که از نظر اجتماعی خیلی مطلوب و پسندیده نیستند. آنان بیشتر از سخنان صریح استفاده می‌کنند و اهمیت چندانی به وضعیت مطلوب کلام در اجتماع نمی‌دهند. اما زنان ترجیح می‌دهند از زبان معیار استفاده کنند و بیشتر آن جنبه از کلام را به کار ببرند که مورد تأیید افرادی است که گفتارشان از نظر اجتماعی مطلوب و صحیح است و پایگاه اجتماعی خوبی دارند. به‌ویژه، اگر گفت‌وگوها جنبه رسمی داشته باشند، این رفتار زبانی شکل پررنگ‌تری به خود می‌گیرد» (همان، ۲۲).

یافته‌ها

به پشتوانه‌ی مطالعاتی که پیش از این درباره‌ی «زبان جنسیتی» و «درام‌های رادیویی» رخ داده است، محقق با جمع‌بندی این نظریه‌ها و بررسی آن‌ها مواردی را که برای تحلیل نمایشنامه‌ها مورد نیاز بوده استخراج کرده و مقوله‌های لازم را تدوین نموده است. سپس آن‌ها را در جدولی قرار داده و با کدگذاری دیالوگ‌های هر نمایش آن‌ها را در مقولات مرتبط جایگذاری نموده است تا بتواند بررسی لازم را بر اساس مبانی نظری

انجام دهد. در ادامه با شرح و بسط مقوله‌های کلی تحقیق، یافته‌های حاصل از بررگه‌های کدگذاری و جدول مقولات به صورت خلاصه معرفی می‌شوند.

برای مثال توجه کنید به نمایشنامه آخرین شب اجرا/ نوشته گلچهره دامغانی. این نمایش قصه یک بازیگر خانم تئاتر است که به علت بیماری قلبی سال‌ها از اجرا دست کشیده بود اما روزی بالاخره تصمیم می‌گیرد به صحنه تئاتر بازگردد. نمایش از جایی شروع می‌شود که بعد از اتمام اجرای تئاتر این بازیگر زن در اتاق گریم مشغول پاک کردن گریمش است. در آن لحظه با فرشته مرگ مواجه می‌شود و متوجه می‌شود چیزی به پایان زندگی‌اش نمانده است. اما در ادامه مسیر داستان به گونه‌ای رقم می‌خورد که فرشته مرگ به او اجازه زندگی برای یک شب دیگر را می‌دهد. در این نمایشنامه استفاده‌ای کاملاً هوشمندانه از «زبان جنسیتی» در جهت خلق «شخصیت و کنش» رخ داده است. بیشتر زمان این نمایش در دیالوگ مابین «خانم سپهر» و «فرشته مرگ» می‌گذرد. این نمایشنامه تنها دو شخصیت دارد: «فرشته مرگ» و «خانم سپهر» و باقی در حد تیپ باقی می‌مانند، اما نویسنده آگاهانه در کلام این دو شخصیت از «زبان جنسیتی» استفاده کرده است. «فرشته مرگ» در ابتدا به صورت یک مرد مرموز وارد نمایش می‌شود و فضا را به سمت حادثه و تنش پیش می‌برد اما از نیمه نمایش که هویت واقعی او لو می‌رود همه چیز آرام می‌شود و کنشی که منتظر وقوع آن بودیم از بین می‌رود. در ابتدای نمایش که ماهیت «فرشته مرگ» مشخص نیست استفاده از زبان جنسیتی و ویژگی‌های آن به خلق شخصیت مردی جنایت‌کار، مرموز یا حتی قاتل منجر شده است که رفتاری متجاوزانه دارد. برای مثال توجه کنید به بخشی از دیالوگ‌های «فرشته مرگ»:

- (با صدای بلند): من به شجاعت نیازی ندارم خانم.

- می‌دونم، محض اطلاعات بگم که این فحش‌ها به من نمی‌چسبه خانم.

- من عجله‌ای ندارم... شما هم بهتره در دونستن اینکه من کی ام و چه کاری دارم عجله‌ای نکنید... به نفع‌تونه.

- (دیالوگ شخصیت قبلی را قطع می‌کند). شما قادر نیستید از اینجا خارج بشید خانم.

شخصیت زن نیز با استفاده از همین زبان در موضع شخصیت یک قربانی دیده می‌شود. تا نیمه کار شخصیت‌ها به همین منوال گفت‌وگو می‌کنند. بر اساس ویژگی‌های «زبان جنسیتی» که در کلامشان به کار می‌برند شخصیت‌ها شکل گرفته و کنششان نیز بر اساس همین زبان، قابل تصور است. جلوه‌هایی از برتری و تسلط در کاراکتر مرد مرموز دیده می‌شود و زن را دچار سردرگمی می‌کند. توجه کنید به بخشی از دیالوگ‌های شخصیت زن:

- من دیگه از این مکالمه بی‌نتیجه خسته شدم آقا. شما تا هر وقت دلتون خواست اینجا بشینید اما من می‌رم.

- اوه خدای من، چی می‌گید، چرا من باید به حرف‌های شما گوش کنم، شما حتی وسیله‌ای برای تهدید

من ندارید، کو اسلحتون کو... تفنگ... چاقو.

- شما خیلی خودشیفته هستید.

اما از نیمه نمایش که کاراکتر «فرشته مرگ» لو می‌رود ناگهان دیگر «زبان جنسیتی» در کلامش دیده نمی‌شود و زبانی خنثی فاقد علائم مخصوص به جنسیت را به کار می‌برد. در این زمان حتی کنشی که تا اینجا پیش‌بینی می‌شد دیگر رخ نمی‌دهد و دیالوگ‌ها تنها در یک فضای کشف و شهودی زندگی دنیوی و اخروی ادامه پیدا می‌کند. کاراکتر زن نیز دیگر از موضع مغلوب خارج می‌شود و دو کاراکتر در یک فضای خنثی به لحاظ جنسیت به گفت‌وگویشان ادامه می‌دهند و در همین روند شاهد هستیم که کنش قابل توجه دیگری نیز رخ نمی‌دهد.

در نمایش حاضر در زمانی که هنوز هویت «فرشته مرگ» افشا نشده است دیالوگ‌هایش را با استفاده

از «زبان جنسیتی» به سمتی سوق می‌دهد که تصور یک مرد جنایت‌کار خلق شود و برای رسیدن به این مقصود از زیرمقوله‌های قطع کلامی، خودنمایی، دستوردادن، صراحت در بیان و برتری استفاده می‌کند و همین موضوع سبب می‌شود شخصیت «خانم سپهر» احساس خطر کند و آماده بروز کنشی متناسب با موقعیت شود. در واقع استفاده از «زبان جنسیتی» فضا را به سمت خلق موقعیت پیش از یک حادثه سوق می‌دهد تا جایی که «خانم سپهر» از جایش بلند می‌شود و سعی می‌کند از اتاق فرار کند. «خانم سپهر» نیز با استفاده از ویژگی‌های «زبان جنسیتی» شخصیت یک زن منطقی که حالا در موقعیت خطرناکی قرار گرفته است را خلق می‌کند و برای این کار از زیرمقوله‌های رعایت ادب، زبان معیار و تن صدا استفاده می‌کند. در جدول زیر دیالوگ‌ها بر اساس مقوله‌های مورد استفاده و کارکردشان در نمایش مرتب شده‌اند.

جدول ۱. آخرین شب اجرا

کارکرد	مثال	زیر مقوله‌ها	مقوله‌های تحقیر
ایجاد نابرابری	* فرشته مرگ: مهم نیست ... می‌فهمم ... من از هیچ چیز ناراحت نمی‌شم. * فرشته مرگ: من برای تهدید نیاز به وسیله ندارم. به علاوه اصلاً نیازی نیست من شما رو تهدید کنم. شما قادر نیستید از اینجا خارج بشید. * فرشته مرگ: باید این‌طور باشه.	قطع کلام طول گفتار سکوت	زمان بندی گفتار
باور پذیری شخصیت	* فرشته مرگ: خانم سپهر ... ممکنه پیام تو. * خانم سپهر: به لحظه اجازه بدین ... روسریم کو ... بفرمایید خواهش می‌کنم. در یازده.	استفاده از زبان معیار استفاده از لهجه	نوع گفتار
شخصیت پردازی	* فرشته مرگ: متأسفم، شما هم آدم بی‌توجهی هستید. * خانم سپهر: پس خوبه ... ببینید ... من نتونستم شما رو بجا بیارم ... بهتره زودتر خودتونو معرفی کنید و امرتون رو بگید چون من عجله دارم.	صراحت در بیان رعایت ادب	شیوه گفتار
تلاش برای بروز قدرت	* خانم سپهر: من دیگه از این مکالمه بی نتیجه خسته شدم آقا شما تا هر وقت دلتون خواست اینجا بشینید اما من میرم. * خانم سپهر: اوه خدای من شما چی می‌گید؟	تن صدا سرعت کلام استفاده از آواهای صوتی	شکل گفتار
خلق تنش و ایجاد زمینه برای بروز کنش و حادثه	* فرشته مرگ: من به شجاعت نیازی ندارم خانم. * فرشته مرگ: می‌دونم، محض اطلاعاتتون بگم که این فحش‌ها به من نمی‌چسبه خانم. * فرشته مرگ: باید این‌طور باشه. * فرشته مرگ: من عجله‌ای ندارم ... شما هم بهتره در دو نشتن اینکه من کم و چه کاری دارم عجله‌ای نکنید ... به نفع‌تونه. * فرشته مرگ: سعی نکنید از اتاق خارج بشید. * فرشته مرگ: اگر حمل بر خود ستایی نکنید باید بگم بعله. * فرشته مرگ: من برای تهدید نیاز به وسیله ندارم. به علاوه اصلاً نیازی نیست من شما رو تهدید کنم. شما قادر نیستید از اینجا خارج بشید..	برتری دستور دادن خودنمایی طعنه و کنایه تأیید تکذیب همدردی	موضع گفتار

۱. برای مشخص شدن مرز بین مثال‌ها یا تفکیک شواهد برگرفته از متن علامت ستاره در ابتدای هر مثال در جدول آمده است.

زمان بندی گفتار

با بررسی نمایشنامه‌های انتخابی و با تکیه بر مبانی نظری مشخص می‌شود که مردها در کلام خود از ویژگی‌هایی چون قطع کلامی و طول گفتار بیشتر از زنان استفاده می‌کنند. استفاده از این ویژگی‌ها ناخودآگاه زمان بیشتری به شخصیت برای اظهار نظر و یا القای کلام خود می‌دهد. این دو ویژگی در کنار هم می‌توانند کنش‌ساز باشند چرا که در کنار هم بر قدرت برتری می‌افزایند و در شخصیت مقابل نوعی حالت تدافعی ایجاد می‌کنند. برای مثال در نمایش *آخرین شب اجرا* به محض اینکه کاراکتر «فرشته مرگ» از این دو ویژگی در کلام خود استفاده می‌کند شخصیت مقابلش یعنی «خانم سپهر» که تا آن لحظه سعی

در برقراری ارتباط با او را داشته، ناگهان از جای خود برمی خیزد و قصد خارج شدن از اتاق را می کند. با استفاده افراطی از این ویژگی همراه با ویژگی موضع برتری شاهد بروز «ضد دیالوگ» به جای دیالوگ خواهیم بود که جز بنا بر نیاز صحنه، ممکن است اثرات مخرب بر پیکره درام ایجاد کند. سومین ویژگی در زمان بندی گفتار سکوت است که عموماً در کلام مردان نشانه رضایت و در کلام زنان نشانه عدم رضایت است. سکوت به تنهایی می تواند تأثیرات دراماتیکی به نمایش بگذارد چنانچه در نمایش *بگذار نگاهت کنم* در پایان نمایش وقتی شخصیت «ناصر» در مقابل کلام «نازنین» سکوت می کند شاهد نوعی پالایش شخصیتی در او هستیم چرا که در دیالوگ بعدی دیگر از موضع گیری های قبلی او خبری نیست و ناگهان سپر دفاعی اش را کنار می گذارد.

- ناصر: من دیگه ترفنی هم مصرف نمی کنم... بهش بگو خیلی چیزا رو می تونم جبران کنم.
- نازنین: ناصر بازم داری اشتباه می کنی، اینا رو به خودش بگو...
- ناصر: (سکوت)
- نازنین: بهش ثابت کن که راست میگی... که واقعا می خوای کمکش کنی.
- ناصر (بعد از مکث طولانی): بهش بگو بیاد... برو بهش بگو بیاد.

نوع گفتار

ویژگی هایی چون استفاده از لهجه و یا استفاده از زبان معیار جامعه، مختص به گروه یا کشور خاصی نیست و در همه جا امکان بروزش وجود دارد. از این روست که محققان معتقد هستند مردان در کلام خود چندان اهمیتی به استفاده از لهجه و یا زبان معیار جامعه نمی دهند اما زنان بر استفاده از این مقوله بسیار حساس هستند. چرا که استفاده از لهجه و یا زبان معیار جامعه را نوعی عدم رعایت بهداشت زبانی می دانند و بیشتر تمایل دارند از واژگان و جملاتی که مختص به گروه های متوسط به بالای جامعه است استفاده کنند. البته همواره نمونه های نغز آن دیده می شود اما در یک درام رادیویی استفاده از این نوع ویژگی ها در کلام یک زن می تواند در باور پذیری شخصیت او بسیار مؤثر باشد چنانچه در نمایش *هزار و دو بیست دلار برای یک فنجان قهوه نوشته آهو خردمند*، استفاده از زبان جنسیتی برای «کتی» شخصیتی متعارف و پذیرفتنی ایجاد می کند و او را همانند نمونه های اجتماعی که از یک زن تحصیل کرده و هوشمند وجود دارد معرفی می کند. در زبان این شخصیت در مسیر نمایش تغییری ایجاد نمی شود و از یک همگونی برخوردار است. اما شخصیت مقابل او «دیوید» است. او از زبانی به هم ریخته به لحاظ جنسیتی برخوردار است و بر همین اساس روند کنش گری او نیز تا پایان نمایش به هم ریخته است. دیوید شخصیت یک دزد را داراست و در ابتدای نمایش با استفاده از زبان مردانه به علاوه ویژگی هایی چون دستوردادن و از موضع برتر حرف زدن، کارکتر خود را می سازد.

- دیوید: صدات در نیاد... گفتم صدات در نیاد... ببین اگه قول بدی دختر خوبی باشی دستم رو از روی دهنتم برمی دارم اگر صدای بدی به گوله حرومت می کنم.
- کتی: چشم... چشم... تکون نمی خورم.

اما بحران شخصیت زمانی ایجاد می شود که دیوید در مقابل کتی لحظاتی زبان خاص خود را از دست می دهد و زبانی زنانه پیدا می کند.

- دیوید: شوهرت باید آدم خسیسی باشه، آره.
- کتی: نه، چطور مگه.
- دیوید: پس این چه حلقه ایه واسه تو خریده، تو بیشتر از اینا ارزش داری.

این تغییر همان‌طور که گفته شد از لحاظ اجتماعی چندان پذیرفته نیست حتی عرف جامعه ما نیز با این زبان ارتباط پیدا نمی‌کند و ناخودآگاه فضا را تغییر می‌دهد. از آنجایی که رفتار دیوید نیز در نوعی دوگانگی مابین رفتاری مردانه و غیرمردانه در جریان است می‌توان گفت از این لحاظ، شخصیت دارای پیوستگی میان رفتار و کلامش است. بر طبق الگوی جنسیت شاهد آن هستیم که شخصیت «کتی» در طول نمایش از الگوی زنانه پیروی می‌کند و «دیوید» نیز مادامی که زبان مردانه دارد کلامش قابلیت تطبیق با الگوی مردانه را دارد اما با تغییر موضع دیوید دیگر الگوی جنسیت در کلامش صادق نیست.

شیوه گفتار

این مقوله انحصاراً به جنس خاصی متعلق نیست. صراحت در بیان و عدم رعایت ادب بیشتر در کلام آقایان و عدم صراحت و رعایت ادب بیشتر در کلام زنان دیده می‌شود. این دو ویژگی در کنار هم می‌توانند به خلق شخصیت کمک کنند. در نمایش پنه لویه نوشته پدیده جمال‌ها شخصیت «مکس» با توجه به صراحتی که در بیانش دارد به راحتی خود را زیر سؤال می‌برد و شخصیتی فاقد اعتمادبه‌نفس به نمایش می‌گذارد.

- مکس: خوب می‌دونی... من همیشه دوست داشتم بخونم اما هیچ کتابخونه ای اون رونداشته راستش دیدم این اولین چاپشه گفتم شاید بد نباشه برش دارم. من معمولاً آخر هفته‌ها روی صندلی پارک میشینمو داستان‌های احمقانه می‌نویسم.
- پنه لویه: پس داشتی می‌دزدیدی؟
- مکس: آره داشتم می‌دزدیدمش.
- پنه لویه: مته اینکه به موسیقی هم علاقه داریا.
- مکس: اما اینکه ساز نیست یه قورباغه موزیکاله، می‌دونه من عادت دارم هر چیزی رو کش برم.

صراحت در بیان و رعایت ادب نیز با اینکه یک ترکیب ضربدری است اما می‌تواند در شخصیت‌پردازی مردانی که خود را به نوعی برتر می‌دانند مؤثر واقع شود؛ مانند شخصیت «فرشته مرگ» در نمایش آخرین شب اجرا. صراحت در بیان از آنجایی که دارای وجهی خشک و جدی است چندان در کلام زنان دیده نمی‌شود، بیشتر عدم صراحت در بیان است که مورد استفاده آن‌هاست. عدم صراحت می‌تواند به افزایش ابهام و ایجاد تعلیق در کلام منتهی شود و این اتفاق در کلام زنان معمول‌تر و پذیرفتنی‌تر است.

شکل گفتار

این مقوله در کلام زنان جایگاه ویژه‌ای دارد. از ویژگی‌هایی که مختص به این مقوله هستند چون تن صدا، سرعت کلام و استفاده از آواهای صوتی می‌توان در خلق یک کنش دراماتیک سود برد. ویژگی تن صدا اگرچه در کلام مردان هم شاهدش هستیم اما در اکثر مواقع مورد توجه زنان است. با بررسی نمایش‌های انتخابی این نتیجه حاصل می‌شود که این سه ویژگی در کنار هم برای تحت تأثیر قراردادن شخصیت مقابل، برای قانع کردن او و یا برای بروز کنش در او توسط شخصیت‌های زنان استفاده شده است. برای مثال در نمایش *بعداظهر نا آرام* نوشته «بهاره مشیر» شخصیت «خانم باشتورک» برای نجات جان پسرش از این ویژگی‌ها در کلامش استفاده می‌کند.

- خانم باشتورک: اوه... این قدر حرص نخورید آقای فولر براتون خوب نیست، اجازه بدین براتون کیک ببرم.

- خانم باشتورک (با صدای بلند): لطفاً ادامه ندید آقای فولر. من معنی جمله‌ها تون رو نمی‌فهمم.
- خانم باشتورک (با صدای بلند): دارین اشتباه می‌کنین آقا عارف رشوه نگرفته.
- خانم باشتورک (با صدای بلند): دست پسرمو ول کنین لطفاً.

به نوعی می‌توان حدس زد که شخصیت‌های زن هر جا که نیاز است حرف خود را به کرسی بنشانند و یا سخنشان جدی‌تر تلقی شود از این سه ویژگی استفاده می‌کنند که البته سهم ویژگی استفاده از آواهای صوتی کمتر از بقیه است و این ویژگی به نوعی نشانه در کلام زنان تبدیل شده است.

موضع گفتار

این مقوله می‌تواند به خوبی فضا را به سمت بروز حادثه و کنش سوق دهد. ویژگی‌هایی چون برتری، خودنمایی، دستور دادن و در مقابلش طعنه و کنایه زدن از ویژگی‌هایی است که تقریباً در تمامی نمایش‌های مورد بررسی کاربرد داشته‌اند. در واقع هر جا آرامش در نمایش بر هم می‌خورد و یا بناست که بر هم بخورد کاراکترها از این ویژگی‌ها در کلامشان استفاده می‌کنند. ویژگی‌هایی چون برتری، خودنمایی، تکذیب دیگری و دستور دادن بیشتر در کلام مردان و طعنه و کنایه، تأیید و همدردی بیشتر در کلام زنان دیده می‌شود. در نمایشی چون نمایش جنون نوشته «حدادی» وقتی شخصیت «لیزا» و «یان» با یکدیگر درگیری لفظی پیدا می‌کنند، «لیزا» از موضع برتری برای دیالوگ‌هایش استفاده می‌کند.

- لیزا: بس کن یان... تو باید به وظایف عمل کنی... مٹ رانده‌های دیگه.
- لیزا: همه این حق رو دارند که راحت نظرشونو بگن یان.
- لیزا: دیگه تحمل ندارم بینم این علاقه افراطی و تعصبت به فوتبال منجر به کندن یک تور دروازه دیگه و یه آبروریزی بزرگ تر بشه.
- لیزا: یان ما سیزده سال تاوان حماقت تو رو پس دادیم بس نیست.

مقوله موضع گفتار به همان میزان که در خلق کنش سهم دارد، می‌تواند در ساخت شخصیت نیز مؤثر باشد. با استفاده از ویژگی‌های برتری و خودنمایی و جهی از یک شخصیت ساخته می‌شود. بر اساس این یافته‌ها مشخص می‌شود مواردی که اندیشمندانی چون برنند، گودارد، فاسولد، نانسی و هنلی از تفاوت‌های کلامی زنان و مردان مطرح کرده‌اند، در نمایش‌هایی که مورد بررسی قرار گرفت، رعایت شده‌اند و هر کدام، بنا به موقعیت، تأثیری در نمایش ایجاد کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

از آنجایی که درام شکلی از یک زندگی است استفاده از «زبان جنسیتی» در ابتدایی‌ترین مرحله بروز خود باعث باورپذیری شخصیت‌ها می‌شود. با توجه به بررسی دیالوگ‌ها مشخص شد که استفاده از «زبان جنسیتی» چه نوع مردانه و چه زنانه باعث خلق شخصیت می‌شود. شخصیت‌ها با توجه به کلامی که به کار می‌برند، باورپذیر و در ذهن مخاطب ساخته می‌شوند. بر اساس همین ساختار کنشی متعاقب انتظار می‌رود. یعنی اگر مردی که از ویژگی‌های کلام مردانه سود می‌برد در برخورد با حادثه‌ای رفتاری زنانه از خود بروز دهد یک ناهنجاری رخ می‌دهد. مگر آنکه درام‌نویس قصد خاصی از بروز چنین واکنشی در ذهن داشته باشد.

مسئله دیگر تصادم نیروهای زنانه و مردانه در درام است. چنانچه دو شخصیت مرد و زن هر دو به درستی از کلام جنسیتی در تعادل با یکدیگر استفاده کنند وقتی در دیالوگ در تعامل با یکدیگر قرار می‌گیرند به

محض بروز ویژگی‌های مردانه در کلام شخصیت مرد، بروز ویژگی‌های زنانه در کلام شخصیت زن لازم می‌شود. یعنی این دو چنان لازم و ملزوم هم هستند که در صورت عدم وجود، شخصیت‌ها خنثی به نظر می‌رسند و در نشان دادن کنش، درام را به مخاطره می‌اندازند. چرا که کنش از شخصیت برمی‌آید و شخصیت با کلام خنثی، کنش قابل توجهی نخواهد داشت. در واقع وقتی یک شخصیت از «زبان جنسیتی» استفاده می‌کند بر اساس نوع زبانی که به کار می‌برد ویژگی‌هایی از همان دست را می‌توان بر آن متصور شد. در چنین شرایطی همین ویژگی‌ها می‌توانند موقعیت‌ها و کنش‌هایی از جنس شخصیت و زبانش خلق کنند. استفاده آگاهانه از «زبان جنسیتی» می‌تواند در پرداخت یک نمایش به نویسنده امکانات بیشتری برای خلق موقعیت و شخصیت بدهد. لذا برای هر درام‌نویسی این دانش می‌تواند کاربرد داشته باشد. برای نوشتن یک درام که در آن از ظرفیت‌های زبان جنسیتی بهره برده شود تنها کافی است درام‌نویس به ویژگی‌های این زبان و حوزه‌های متفاوت کاربرد آن در دو جنس زن و مرد اشراف داشته باشد. همان‌طور که گفته شد مقولات و زیر مقولات هر کدام بر اصلی از زبان جنسیتی تکیه داشتند و رعایت کردن آن‌ها و استفاده به‌جا می‌تواند به خلق اثری با پشتوانه کلامی مناسب منجر شود. شایان ذکر است که پیش از به‌کاربردن ویژگی‌های زبان جنسیتی لازم است درام‌نویس به خوبی دیالوگ را درک کرده باشد و تمامی ظرفیت‌های آن را بشناسد لذا پرداخت یک دیالوگ به مفهوم درست آن به همراه استفاده از زبان جنسیتی می‌تواند در خلق یک اثر دراماتیک بسیار مؤثر باشد.

پی‌نوشت‌ها

1. Gendered language
2. Gender
3. Sex
4. Martin Heidegger
5. Angela Goddard, Lindsey Mean
6. Robert Jeffrey Sternberg
7. Brend
8. Throne Barrie and Nancy Henle
9. Gender pattern
10. Ralph Fasold
11. Robin Lakoff

فهرست منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۹). تحلیل گفتمان‌های رادیو. تهران: دفتر پژوهش‌های رادیو.
- الام، کر (۱۳۹۴). نشانه‌شناسی تئاتر و درام، (ترجمه فرزانه سجودی). تهران: قطره.
- استنبرگ، رابرت. جی (۱۳۸۶). روان‌شناسی شناختی، (ترجمه مریم وفایی). جلد دوم. تهران: دانشگاه تربیت مدرس، مرکز نشر آثار علمی.
- داوری اردکانی، نگار و عیار، عطیه (۱۳۸۷). «تأثیر متغیر جنسیت بر ایجاد گوناگونی‌های زبانی». فصلنامه کتاب زنان، شماره ۴۲، صص ۱۶۲-۱۸۲.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۹). ارسطو و فن شعر. تهران: امیرکبیر.
- دهقانی‌زاده، مجید (۱۳۸۸). «مطالعه جنسیتی زبان». ماهنامه حورا، شماره ۳۲، صص ۵۰-۶۰.

- سطوت، زهره (۱۳۸۸). بررسی متن نمایش رادیویی و متن نمایش صحنه‌ای با تأکید بر ساخت‌گرایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده صداوسیما. تهران.
- صاحبی، سرور (۲۰۱۳). «رابطه زبان با اندیشه و جنسیت». سمینار سراسری زنان. هانوفر.
- قادری، نصرالله (۱۳۸۸). *آنا تومی ساختار درام*. چاپ سوم. تهران: نیستان.
- لطفعلی‌خانی، زینب (۱۳۹۴). مطالعه سبک مینیمال ادبی برای نویسندگی در متون نمایشی رادیویی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه صداوسیما. تهران.
- مدرسی، یحیی (۱۳۹۳). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- معافی‌غفاری، فرزاد (۱۳۹۱). «کنش و دیالوگ در نمایش رادیویی». *مجله رادیو*، شماره ۶۷، صص ۷۳-۷۹.
- هدایت، ندا (۱۳۸۴). «تأثیر جنسیت بر نحوه بیان تقاضا». *دوفصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی*، شماره چهارم، صص ۱۷-۴۰.
- نرسیسیانس، امیلیا (۱۳۹۳). *مردم‌شناسی جنسیت*، (ترجمه بهمن نوروززاده چگینی) تهران: انتشارات افکار و سازمان میراث فرهنگی.
- Goddard, Angela & Mean, Lindsey (2009). *Language and Gender*. Routledge Northwestern University.
- Barrie, Throne & Heneley, Nancy. (1998). *Language and Sex: Difference and Dominance*. Rowley. Newbury House Publisher.
- Fasold, Ralph (1990), *the Sociolinguistics of Language*, Oxford: Basil Blackwell.
- Lakoff, R. (1975), *Language and Woman's Place: Language in society*. Mary Bucholtz (2004), published: Oxford University Press, Editor's Introduction.

Archive of SID

Received: 2016/10/29

Accepted: 2017/04/21

Genderlect and its Rule to Create Action and Character in Radio Drama

Majid Sharifkhodai, Faculty Member, IRIB University, Tehran, Iran.

Ferdos Aghagolzadeh, Prof., Faculty of Human Sciences, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Mona Shokri, MA in Writing for Radio, IRIB University, Tehran, Iran.

Abstract

RADIO is an audio media in which language plays a major role. Language is the main element in a radio drama. Audio elements in radio drama has the essence of drama and language among these elements, has a very important and special seat. What an audience takes as gender, is just a performer speaking voice. This feature helps the performer to play out of his/her own gender by only switching/imitating voice. But voice is not the only way to discover the gender, the manner of talking and feelings of the performer are also good detectors for audience to discover the gender. Thus, if we want to know the "action" and thoughts of a character, it's important to know his/her gender through his/her speech. Establishing a good relation between audiences and the media is the core that would happen with language and the acceptability level of performer's speaking manner. Language is social phenomena and a social structure pattern. People use their language not just to reveal their ideas or emotions but to describe their relation to get their identification. Thus, it is in a radio drama that "gendered language" can show its importance. Linguistics of gender is a well-known concept in linguistics. It has been examined widely to gain varied theories about linguistic manner of male and female which is used consciously or unconsciously in our daily life among the wide range of people. Gendered language governs the language of both sexes and we are witnessing its intentional or unintentional use in our life, in a way if people avoid it, others will notice or may be offended. "gender" differs "sex". Gender is a package of behaviors, roles, acts and social thoughts that prevailing culture in every society dictates to both male and female sexes. Gendered language is a language property that makes phonetic and semantic diversity based on what social culture dictates to male and female. Regarding this, knowing the "action" and thoughts of characters should be based on knowing appropriate utterance of the gender in a drama. In the following research after studying the "gendered language" features, we will dig its uses in radio dramas to clarify its influence on creating "action" and "characterization" in a dramatic work. At the end what we will conclude, helps us with "dialogue scripts" to make them in proportion with "character's gender" and achieving to a "dramatic characterization". Regarding the theoretical Foundation of the research (gender pattern) and after qualitative analysis of the content of 10 performed radio drama on RADIO JAVAN channel during 80th, we found out that gendered language has different features for male and female. These features are listed in five categories of time, manner, kind, shape and title of speech. It will also be known that using gendered language leads to creating "character" and "act". Gendered language nurtures characters and displays acts by two contradictory equivalent forces.

Key words: radio drama, gendered language, character, action.